

درود بر شما رفیق گرامی و دانشمند، محترم عبدالله نایبی!

نوشتار شما رفیق گران ارج را تحت عنوان " انتخابات ریاست جمهوری و پیامد های احتمالی آن " از آدرس ایمیل خود، بخوانش گرفتم. دقیقا آنرا زیر و رو کردم طرز تحلیل شما مبتنی بر یک دیدگاه دقیق همه جانبه، از وضع سیاسی فعلی کشور عزیزم افغانستان، مرا لحظاتی در خودش مصروف نگهداشت و این طرز دید شما را من شخصا بحیث یک فعال سیاسی مستقل، میستایم که فرآورد خوب و منطقی برای بیرون رفت از بن و بست فعلی دولت که میخواهند به اصطلاح خودشان حکومت ائتلافی یا وحدت ملی را بوساطت نماینده خاص امریکا آقای جان کری برای ملت مظلوم میهنم به ارمغان آورند، برای نیروهای واقعا چپ انقلابی یک رهنمود خوب و منطقی شمرده میشود و راه حل یک فضای درست سیاسی را هم برای نیرو های چپ واقعا انقلابی هموار میسازد .

شما در نوشتار پرمحتوای تان پیامد های حاکمیت ائتلافی را چنین برجسته نموده اید:

- بی ثباتی جدی تر وضعیت سیاسی و گسترش بی امنیتی.

- برهم خوردن روند ملی شدن قوای مسلح

- فراهم شدن بهانه برای تداوم حضور نظامی امریکا

- افزایش مداخله کشور های همسایه

- تداوم حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی

- شیوع بیشتر فساد در جامعه

من از نظر دیدگاه و تحلیل خود هم به نتیجه رسیده ام که این پروسه ایکه شما رفیق گرامی از آن بعد از حکومت ائتلافی، تذکر داده اید در حال حاضر در حال رشد و گسترش بوده است و مهندسی چنین یک ائتلاف یا باصطلاح حکومت وحدت ملی و یا حکومت ائتلافی از همان آغاز کار دوره انتخاباتی دو کاندید ریاست جمهوری در اصل کار و خط مشی وابستگان ارتجاع در سطح ملی و منطقه و فراتر از آن وجود داشته است که تقلب در اساس پروسه انتخاباتی و تقلب در آرای عامه، نسبت اینکه کدام از این دو

کاندید، یعنی داکتر اشرف غنی و یا داکتر عبد الله عبدالله ریس جمهور آئینده خواهند بود، زمینه خوبی براین تفتین مهیا نمود. حالا که چنین است چه باید کرد: من البته نمیخواهم که به تفصیل بازهم و به تکرار در تکرار از یک هدف غایی واحد صحبت کنم که آنهم وحدت تمام نیروهای چپ انقلابی در یک سازمان وسیع سیاسی و تحت یک هدف عمده انقلابی که همانا تامین دیموکراسی و ایجاد یک حکومت واقعا ملی و دیموکراتیک میباشد. زیرا گفته ها در این موارد تا همین لحظه فقط در گفتار باقی مانده است و اقدامات عملی که واقعا جوابگوی همه نیرو های چپ انقلابی باشد، صورت نگرفته است و به اصطلاح در یخ نوشته کن و در افتو بان، بوده است.

رفیق انقلابی نایبی گرامی! طوریکه شما در آخرین تحلیل حل این مشکلات و راه بیرون رفت آنرا بر بنیاد یک اندیشه انقلابی سیاسی برای تعویض حاکمیت ارتجاع پیش بینی و تذکر داده اید و یک تشکل واحد سیاسی را، راه حل دانسته اید من هم از شما رفیق گرامی و سایر رفقای رزمنده و سابقه دار و کادر های سطح بالای رهبری حزب محبوبم فرقی ندارد که بکدام شاخه های چپ انقلابی منقسم اند، این تقاضا را مینمایم که تا دیر نشده تحت یک پلتفرم سیاسی مستقل با یک نام و یک هدف غایی، جمع شوند و نهاد یک نظام سیاسی وایدیالوژیکی را که مورد قبول همه باشد، پی ریزی نمود و صرفا بخاطر نجات مردم ومیهن، عملا دست بکار شوند و الا تمام مصائب بدوش این رزمنده گان با تجربه و آبدیده ای میهن عزیزم یعنی فرزندان صدیق ح د خ ا، خواهد بود و ما و شما به پیشگاه تاریخ محکوم این همه بد بختی های مردم ومیهن عزیز خود ها خواهیم بود.

اگر بینی که نا بینا و چاه است اگر خاموش بنشیننی گناه است